****

[**www.iran57.com**](http://www.radioazadegan.com/Akhbare%20Rooz%20Apr%202016/www.iran57.com)

**آمریکا از ایران چه می‌خواهد، اهداف تشدید تحریم‌های جدید اقتصادی کدام‌اند؟**

**برنامه امپریالیسم آمریکا برای فشار بر ایران به مرحله‌ای رسیده است که مدت‌ها از آن به عنوان تحریم‌های فلج کننده یادمی‌شد، یعنی تحریم کامل معاملات نفتی تهران همراه با محدودیت‌های بانکی و پولی متعدد برای کورکردن عمده‌ترین منافذ درآمد ارزی جمهوری اسلامی. تازه‌ترین اقدام، لغو معافیت‌هایی است، که فقط چند کشور را از پیامدهای تحریم آمریکا علیه ایران استثنا می‌کرد، کشورهایی که برای قطع وابستگی نفتی خود به ایران، مهلت خواسته بودند. حالا صداهایی در ایران بلند شده‌اند، مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی هم باید کاری بکند، از بستن تنگه هرمز گرفته تا دنبال‌کردن دیپلماسی فعال‌تر در عرصه بین‌المللی.**

**پرسش این است آمریکا با تشدید تحریم‌های غیرقانونی کنگره آمریکا علیه ایران و تهدیدات نظامی در قالب «تغییر رفتار رژیم» و تشکیل کنفرانس‌های رنگارنگ، نظیر کنفرانس ورشو و حمایت از اپوزیسیون ارتجاعی برون مرزی از رژیم ایران چه می‌خواهد؛ آیا تحریم‌ها و فشار اقتصادی بر مردم ایران موجب خیزش توده‌ها و سرنگونی رژیم می‌شود؟ بطور خلاصه باید گفت:**

**یکم اینکه** امپریالیسم آمریکا سال‌هاست سیاست‌ خود را در مورد ایران تعیین کرده است. آمریکا از ایران یک کشور **نیمه مستعمره** می‌خواهد**،** مانند زمان محمدرضا شاه؛ کشوری که ژاندارم منطقه شود و همدست امپریالیست‌ها در غارت منابع انرژی منطقه و تضمین استخراج و انتقال آنها به بازارهای غرب عمل نماید؛ ایرانی می‌خواهد مخالف چین و روسیه و در زمان مناسب مخالف هند و ژاپن و شاید اروپا، تا آمریکا به‌تواند دست بر گلوگاه نفت جهان داشته باشد و پیچ آنرا شُل و سفت کند و ایران را در گزینش سیاست راهبردی خویش در اقیانوس آرام در دهه آینده در کنار خود داشته باشد و نه در کنار چین. آنها مشکل‌شان برخلاف ادعاهای ایرانیان فریب‌خورده و یا خودفروخته، غنی‌سازی اورانیوم و مسئله هسته‌ای نیست و نبوده است.

در زمان محمد خاتمی دو سال غنی‌سازی ایران با خواست آمریکا به تأخیر افتاد و حتی به خواست آمریکا برای امضاء پروتکل الحاقی، که یک پیمان استعماری است، تن داد. در ادامه این سیاست، ایران نیز به خواست آمریکا مبنی بر عودت تفاله‌های اتمی نیروگاه بوشهر به روسیه تن داد. ایران حاضر شد در صورت فروش اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی برای مصارف تحقیقاتی و پزشکی دانشگاه تهران از تولید آن خودداری کند و بهای خرید آنرا به روسیه، چین، آمریکا، آرژانتین و... به‌پردازد و از تولید آن صرف‌نظر کند. رژیم جمهوری اسلامی، در دوره هاشمی رفسنجانی، با سیاست تعدیل اقتصادی و باز گذاردن دست بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در ایران و اجرای خواست‌های سازمان تجارت جهانی به خصوصی‌سازی مالکیت‌های عمومی مردم ایران دست زد و نفت ایران را با پوشش شرکت‌های خصوصی پاسدارن مافیائی خصوصی نمود و... اما به‌رغم همه اینها آمریکا از این «فرصت‌های مناسب» برای عادی‌کردن روابط با ایران استفاده نه‌کرد و به سیاست تحریم و فشار بر ایران ادامه داده است. عقب نشینی رژیم در قالب نرمش قهرمانانه و سیاست سازش با آمریکا و سرانجام خروج آمریکا از برجام و تشدید تحریم‌ها در دوره حسن روحانی، نشان داده است که آمریکا به دنبال تبعیت مطلق و در سودای سلطه بلامنازع خود برایران است.

**دوم اینکه** همان طور که اشاره رفت امپریالیسم آمریکا به تسلط بر منطقه نظر دوخته است. آنها ایرانی می‌خواهند که نوکر آمریکا، متحد اسرائیل، دشمن فلسطین، لبنان، سوریه، کره شمالی، کوبا، ونزوئلا، بولیوی، چین، روسیه و... باشد. آنها تنها به یک تغییر راهبردی تن خواهند داد و آنهم با دست عوامل مورد اعتماد خود و نه با هر جناح غیر قابل محاسبه در حاکمیت ایران. اشغال لیبی، افغانستان، عراق، تجاوز به سوریه و لبنان، حمله نظامی عربستان به یمن، تقویت تروریسم در عراق، کنارآمدن با طالبان علیه ایران، دامن‌زدن به خواست‌های جدائی‌طلبانه در ایران و تقویت تروریست‌های ایران در خارج از ایران دامن زدن به جنگ شیعه و سنی، تحریم اقتصادی، مالی و گرسنگی دادن به مردم ایران، پروارکردن اپوزیسیون خودفروخته ایران در خارج از کشور و دنبالچه‌های آنها در درون ایران برای روزمبادا... همه حاکی از سیاستی است که آمریکا برای ایران در نظر دارد.

**سوم اینکه** رژیم جمهوری اسلامی، که در محاصره کامل قرارگرفته است، دو راه در پیش دارد؛ یا با خفت تسلیم امپریالیسم آمریکا شود و مورد حمله نظامی و سرکوب‌گر آنها قرار گیرد و تازه تضمین ندارد که آمریکائی‌ها همین قشر مافیائی را بر سر کار نگه‌دارند و یا اینکه به مردم ایران برای مقاومت در مقابل استعمار خون‌خوار تکیه کند، که آنوقت باید به یک حکومت دموکراتیک تن در دهد و مفسدان را محاکمه کرده به سزای اعمال‌شان برساند. با دست روحانی‌ها و جهانگیر اسهاقی‌ها و یا جنتی‌ها و لاریجانی‌ها و... نمی‌شود رژیم را «نجات» داد، فقط می‌شود ایران را بر باد داد و به هرج و مرج کشانید. آمریکا با «نجات» این رژیم هم موافق نیست. رژیم جمهوری اسلامی به بن‌بست رسیده است و به چشم خود می‌بیند که ارتجاع منطقه و متحدین آمریکا دست‌بردار نخواهند بود و تروریسم و بی‌ثباتی را از طریق پاکستان به داخل خاک ایران خواهند کشید. این جمهوری اسلامی است که باید در شرق و غرب خود نیز میان طالبان و القاعده ثبات خود را حفظ کند. و این تنها با تکیه بر مردم و به‌رسمیت‌شناختن آزادی‌های دموکراتیک و مجازات جنایت‌کاران، مفسدان و رانت‌خواران مقدور است. امری که خود این رژیم قادر به حل آن نیست و باید به دست مرم ایران حل گردد. یا پذیرش تمام خواسته‌های امپریالیسم آمریکا، یعنی تسلیم کامل یا ادامه فشار سیاسی و اقتصادی و محاصره نظامی! رژیمی که به مردم‌اش پشت کرده است، سرانجام راهی جز نوکری امپریالیسم پیش روی ندارد. این تازه آغاز سحر است.

در پایان باید به این پرسش، که تحریم‌های اقتصادی سرانجام موجب برافتادن رژیم خواهد شد، پاسخ منفی داد، مگر اینکه در ادامه جنگ اقتصادی به جنگ مستقیم نظامی مبادرت ورزند، که این هم در شرایط کنونی با توجه به اوضاع منطقه و جهان امکان پذیر نیست. فشار تحریم‌های خارجی و تهدیدات نظامی اما دست رژیم را در سرکوب اعتراضات داخلی بیشتر بازمی‌کند و به زیان جنبش آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه مردم ایران است.

**نقل ازتوفان الکترونیکی شماره ۱۵۴ نشریه الکترونیکی حزب کارایران اردیبهشت ماه ۱۳۹۸**

**www.toufan.org**